امتیاز
روزنامه صبح ایران

اخبار

بدرود«روسیِ» بزرگ

«پائولو روسی» کسی است که حتی اشکِ «روبرتو باجیو» را هم درآورده؛ نه با دریبل‌ها یا گل‌هایش، اسطوره‌ای که با خبر فوتش در ۶۴ سالگی بر اثر ابتلا به سرطان ریه، صورت «بودا» و بسیاری از فوتبال‌دوستان را خیس کرد. مردی که در قهرمانی ایتالیا در جام جهانی ۱۹۸۲ به یک ستاره ملی تبدیل شد و با شش گل از جمله گلزنی در فینال برابر تیم ملی قدرتمند آلمان غربی، قلب هوادارانِ سرزمین چکمه را برای همیشه فتح کرد.

آنِ پیروزی برای ملتی که چندین سال متمادی ناآرامی را چه در مستطیل سبز و چه خارج از آن تجربه کرده بودند، یک لحظه باشکوه و فراموش‌نشدنی به حساب می‌آمد. پیش از آن ایتالیا یکی از قدرت‌های فوتبال معرفی می‌شد اما واقعیت این بود که پس از سال ۱۹۳۸ دیگر هیچ گاه در فتح جام قهرمانی جهان به کامیابی نرسید. از این رو شاید اکنون بهتر بفهمید که چرا روسی با آن مقام قهرمانی، در مرکز جشن‌های تمام خانواده‌های ایتالیایی قرار گرفت.

پائولو خود نیز شرایط جالبی در زندگی شخصی‌اش داشت؛ او چند سال پیش از شروع رقابت‌های جام جهانی ۱۹۸۲، اسیر یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های تاریخِ فوتبال شد و برای نقش داشتن در تبانی و تعیین نتایج بازی، دو سال از فوتبال دور ماند. نکته حیرت‌انگیز ماجرا اینجاست که او تنها دو هفته پیش از جام جهانی ۱۹۸۲ به فوتبال بازگشت و در سه دیدار نخست، گرد این غیبت دو ساله در هر حرکتش به وضوح دیده می‌شد.

اما در مرحله دوم گروهی، روسی با هت‌تریک برابر برزیل، اصلی‌ترین مدعی عنوان قهرمانی، زمینه‌ساز برتری ۳ بر ۲ تیمش شد و خود را به زندگی و فوتبال بازگرداند؛ یک بازگشت شکوهمندانه. او در نیمه نهایی و جدال برابر تیم ملی لهستان نیز با ثبت یک دبل، حکم صعود آتزوری به فینال را امضا کرد تا قهرمانی محبوب لقب بگیرد. اما ماجرا به همین جا ختم نشد؛ هنوز پرده آخر باقی مانده بود، جایی که در دقیقه ۵۷ تور دروازه آلمان غربی را شدیدتر از هر زمانِ دیگری به لرزه درآورد تا شادترین لحظات را به مردمِ کشورش هدیه دهد. یک قهرمانی تاریخی؛ یک افتخارِ بزرگ که تمام ابرهای تیره در زندگی روسی را دَر یک چشم به هم زدن محو و آسمانی صاف و شفاف را به او پیشکش کرد.

گل پائولو در آن فینالِ خاطره‌انگیز نیز یکی از آن گل‌های مخصوص و ویژه‌اش محسوب می‌شد؛ یک ضربه سرِ خاص از داخل محوطه جریمه آلمان غربی که بهترین نقطه برای بوسه زدن به تور را برای رسیدن به آرامش انتخاب کرد. او مهاجمی بلندقامت نبود اما در عوض از سرعتِ بالا، قدرت تصمیم‌گیری سریع، بازی‌خوانی دقیق و البته حرکاتی زهرآلود بهره می‌برد.

پائولو پس از پایان بازی‌های جام جهانی، به عرصه باشگاهی بازگشت و با پیراهن یوونتوس نیز به دو قهرمانی در لیگ ایتالیا، قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا و جام در جام اروپا دست یافت. با تمام این اوصاف ولی کارنامه درخشان روسی عمر کوتاهی داشت و او در ۳۰ سالگی به دلیل مصدومیت، مجبور شد کفش‌های خود را زودتر از حد تصور به دیوار بیاویزد.

روسی متولد پراتو در توسکانی بود؛ پدرش «ویتوریو» سابقه حضور در فوتبال به عنوان بازیکن آماتور را در کارنامه داشت و از این رو پائولو برای متقاعد کردن پدرش در مسیر فوتبالیست شدن، زحمت زیادی نکشید. اما مادرش «آملیا» را نمی‌شد به آسانی متقاعد کرد. سرانجام نیز بدون میل و رضایتِ قلبی مادر، پائولو برای انتقال به یوونتوس در سال ۱۹۷۲ یعنی در ۱۶ سالگی پای میز قرارداد نشست. روسی ابتدا در پست وینگر به ایفای نقش می‌پرداخت؛ پستی که بارها و بارها در آنجا دچار مصدومیت شد تا نگرانی‌های مادرش پررنگ و پررنگ‌تر شود. همین مصدومیت‌ها نیز به قیمت دور افتادنش از ترکیب اصلی تمام شد.

همه این ناکامی‌ها مسیر او را به سمت ویچنزا در دسته دو منحرف کرد؛ جایی که به نقطه عطف روسی تبدیل شد. در این تیم روسی به عنوان یک مهاجم نوک به میدان رفت و به بهترین شکلِ ممکن توانایی‌های مثال‌زدنی‌اش را به تصویر کشید. او در فصل ۷۷-۱۹۷۶ عنوانِ بهترین گلزن باشگاه را از آنِ خود کرد و توانستَ تیمش را به سری‌آ بفرستد. تیمی که در فصل بعد به نایب قهرمانی سری‌آ رسید و با ۲۴ گل، عنوانِ «آقای گلی» را نیز برای روسی به ارمغان آورد. او با این فرم به تیم ایتالیا برای حضور در جام جهانی ۱۹۷۸ دعوت شد و سه گل برابر تیم‌های ملی فرانسه، مجارستان و اتریش به ثمر رساند و با آتزوری به مقام چهارمی جهان دست یافت. در آن زمان به نظر می‌رسید که او روند صعودی خاصی دارد اما ناگهان دومینوی مصدومیت‌ها فرا رسید؛ پائولو افت کرد، تیمش به دسته دوم افتاد، خودش بعد از ماه‌ها کش‌وقوس لباس پروجیا را پوشید و آنجا اسیر داستان رسوایی «توتونرو» شد. یک رسوایی بزرگ؛ یک لکه سیاه در کارنامه پائولو. ستاره‌ای که مشخص شد در نتیجه دیدار پروجیا و آولینو که با تساوی ۲ بر ۲ به پایان رسید، نقش داشته و از پیش نتیجه مسابقه را می‌دانسته. جالب این که او هر دو گل تیمش را به ثمر رسانده بود و بعد از افشای رسوایی توسط پلیس دستگیر شد! طی تحقیقات البته پائولو ادعا کرد که هیچ گاه پیشنهاد رشوه را نپذیرفته ولی با ادامه تحقیقات و بررسی‌های پلیس و مقامات قضایی، مجرم شناخته و با محرومیتی سه سال – که در ادامه به دو سال تقلیل یافت — مواجه شد. روسی یکی از بیست بازیکن از یازده باشگاه مختلف بود که بین شش ماه تا شش سال محروم شدند. البته از اقبال خوبش این بود که در حین محرومیت، می‌توانست با تیم یوونتوس تمرین کند و بعد از ۲ سال نیز با همین تیم به میادین بازگشت. او در پایان فصل ۸۲-۱۹۸۱ در سه مسابقه به میدان رفت، یک گل زد و با یوونتوس به قهرمانی در ایتالیا رسید. در آن زمان کمتر کسی فکرش را می‌کرد که پائولو تنها دو ماه مانده تا شروع رقابت‌های جام جهانی به تیم ملی دعوش شود اما «انزو برزوت» ستاره ایتالیایی را با خود به اسپانیا برد!

تحول به سبک پیولی

رقابت برای کسب عنوان قهرمانی در سری A بسیار نزدیک و فشرده دنبال می‌شود و میلان صدرنشین اگرچه فصلی عالی را پشت سر می‌گذارد و چندین رکورد را جابه‌جا کرده، اما سایه اینترمیلان و یوونتوس را در نزدیکی خود می‌بینند. آخرین‌باری که تیمی به‌جز یوونتوس قهرمان این مسابقات شده به سال ۲۰۱۱ برمی‌گردد که میلان توانست در رقابت با اینتر و ناپولی فاتح اسکودتو شود و پس از آن ۹ دوره پیاپی این عنوان به بیانکونری رسید. فصل پیش هم به‌نظر می‌رسید اینتر با خریدهای پرتعداد و نامدارش می‌تواند رقیبی جدی برای یووه باشد، اما درنهایت باز هم این بانوی پیر بود که یک جام دیگر به تالار افتخاراتش اضافه کرد.

تحول در کمتر از یک سال

درست یک سال پیش بود که میلان در این برهه از فصل شکستی پرگل را برابر آتالانتا تجربه کرد و ۵ بر صفر به این حریف باخت. تیم در شرایط نامساعدی بود و به‌نظر می‌رسید آنها حتی برای رسیدن به لیگ اروپا هم کار بسیار سختی پیش‌رو داشته باشند. روسونری شروع بدی در لیگ داشت و در ادامه هم شرایط اصلا برای آنها به‌خوبی پیش نمی‌رفت. تیم در ابتدای فصل جنارو گتوسو را کنار گذاشته بود و مارکو جیامپائولو نیز نتایج خوبی نگرفته بود و به همین دلیل خیلی زود تصمیم به تغییرات در نیمکت خود گرفته بود. استفانو پیولی، سومین مربی میلان در عرض چندماه بود که او هم البته شروع خوبی در این تیم نداشت. در ادامه با شیوع کرونا و تعویق مسابقات فرصت خوبی دراختیار این مربی قرار گرفت تا تیمش را بازسازی کند و البته مهم‌ترین اتفاق در این باشگاه در نیم‌فصل رخ داده بود. خرید زلاتان ابراهیموویچ پا به‌سن گذاشته اگرچه در ابتدا کمی عجیب به‌نظر می‌رسید، اما این ستاره سوئدی به‌خوبی توانایی‌هایش را در این تیم به‌رخ کشید و توانست تحول بزرگی در میلان ایجاد کند.

سران باشگاه حتی به فکر تغییر دوباره مربی نیز افتاده بودند و حضور رالف رانگنیک آلمانی روی نیمکت این تیم تقریبا قطعی شده بود. از همان روزهایی که نام سرمربی سابق لایپزیگ به‌عنوان گزینه میلانی‌ها مطرح شد، نتایج خوب تیم از راه رسید و آنها رقبا را یکی پس از دیگری شکست دادند. زلاتان به ستاره تیم تبدیل شد و درنهایت مدیران میلان تصمیم گرفتند تا پیولی را در سمت خود ابقا کنند و فرصتی دوباره در اختیار این مربی باتجربه قرار دهند. شکست پرگل در برگامو

مقدمه تحول در این تیم شد و حالا این تیم در سال ۲۰۲۰ بیش از هر تیم دیگری در سری A امتیاز کسب کرده است و شاید اگر پیولی و زلاتان از ابتدای فصل پیش در این تیم حضور داشتند، نهمین قهرمانی پیاپی لیگ به‌نام یوونتوس ثبت نمی‌شد.

میلانی‌ها در ۳۴ بازی خود درطول این مدت ۲۲ برد، ۱۰ تساوی و تنها ۲ شکست داشته‌اند و با کسب ۷۶ امتیاز رکوردی عالی را به‌ثبت رساندند. اگرچه بسیاری نقش زلاتان را در این موفقیت‌ها بسیار موثر می‌دانند، اما نباید از کاری که پیولی در این مدت برای تیمش انجام داد به‌راحتی گذشت. این مربی ۵۵ ساله به‌خوبی توانست بازیکنانش را متحد نگه دارد و نفراتی چون کیائر و ابراهیموویچ را دوباره احیا کرد و به اوج برگرداند. پیولی به‌خوبی توانست ترکیبی از بازیکنان جوان و باتجربه را در تیمش ایجاد کند و به کمک آنها توانسته در این فصل تیمش را در صدر جدول لیگ قرار دهد. یکی دیگر از بازیکنانی که زیرنظر او توانسته کاملا متحول شود، فرانک کسیه است که درطول یک‌سال اخیر وضعیت کاملا متفاوتی پیدا کرده است. این هافبک ساحل‌عاجی در ابتدای سال جاری میلادی در آستانه جدایی از تیم بود و اخباری مبنی‌بر فروش او به‌گوش می‌رسید، اما پس از یک‌سال به یکی از ستاره‌های تاثیرگذار و مهره‌های کلیدی تیمش تبدیل شده است.

کاپلو: شانس این سه تیم بیشتر است

میلان در نیم‌فصل به‌دنبال تقویت خط حمله خود است و به همین دلیل گفته می‌شود سراغ لوکا یوویچ، مهاجم صربستانی رئال‌مادرید خواهد رفت. مهاجم سابق آینتراخت فرانکفورت درطول یک‌فصل و نیمی که در ترکیب تیم زیدان حضور داشته نتوانسته عملکرد قابل‌قبولی داشته باشد و یکی از خریدهای ناموفق رئال درطول سال‌های اخیر محسوب می‌شود. میلان حالا درتلاش است تا این مهاجم ۲۲ساله را به ترکیب خود اضافه کند و شاید یوویچ ستاره بعدی باشد که زیرنظر پیولی به روزهای اوجش برمی‌گردد. روسونری تصمیم دارد با قراردادی قرضی و ۶ ماهه او را به‌خدمت بگیرد تا درصورت موفقیت او در ایتالیا، قراردادی دائمی با او ببندند. البته درصورتی‌که یوویچ با این پیشنهاد مخالفت کند، ممفیس دپای ستاره این روزهای لیون گزینه بعدی آنها خواهد بود که البته رونالد کومان سرمربی بارسا نیز به‌شدت به‌دنبال خرید این بازیکن هلندی است.

میلان فعلا با یک امتیاز برتری نسبت به همشهری خود در صدر جدول قرار دارد و البته در این میان نباید یوونتوس و ستاره‌هایش را دست‌کم گرفت. فابیو کاپلو، مربی نامدار ایتالیایی معتقد است رقابت اصلی در این فصل بین همین سه تیم خواهد بود و تیم‌هایی چون رم، ناپولی، آتالانتا و لاتزیو شانس زیادی برای رقابت با آنها را نخواهند داشت. سرمربی سابق رم و رئال‌مادرید درباره مدعیان این فصل گفت: «به‌عقیده من کورس رقابت در فصل جاری بین سه تیم میلان، یووه و اینتر خواهد بود. هر سه تیم نفرات بسیار خوبی در ترکیب خود دارند و فصل را با قدرت شروع کرده‌اند. باسابقه درخشان و پشتوانه خوبی که هر سه تیم دارند فکر نمی‌کنم شانس دیگر تیم‌ها برای رقابت با آنها خیلی زیاد باشد و درنهایت باید از میان همین سه تیم منتظر معرفی قهرمان ایتالیا باشیم.»

او در ادامه با اشاره به موفقیت میلان در ماه‌های اخیر و ترکیب موفقی که پیولی از بازیکنان خود ساخته، افزود: «اینکه از این تیم انتظار زیادی نمی‌رفت به آنها کمک کرد تا بتوانند پیشرفت کنند و به این سطح برسند. بازیکنان فشار زیادی را تجربه نمی‌کردند و این تیم با نفرات جوان خود توانست اتفاقات خوبی را رقم بزند. آنها با استفاده از روشی که آژاکس در سال‌های اخیر پیش‌گرفته توانستند به موفقیت برسند. میلاد در این روزها هم نمایش خوبی در زمین دارد و زیبا بازی می‌کند و هم در نتیجه‌گیری موفق است و به‌نظرم در هر دو بخش نمره قبولی می‌گیرد. حضور زلاتان ابراهیموویچ در این تیم باعث شده تیم از قدرت رهبری او و همچنین تجربه بالایش بتواند بهره ببرد. او به‌خوبی از بازیکنان تیم حمایت و پشتیبانی می‌کند و این موضوع‌انگیزه نفرات جوان را بالاتر می‌برد. او به‌خوبی توانسته تفاوت را در زمین بازی رقم بزند و تاثیر زیادی در موفقیت‌های تیم پیولی داشته است.»

کاپلو در ادامه با اشاره به روند یووه با آندره‌آ پیرلو، سرمربی جدید خود ادامه داد: «او خیلی زود توانست خودش را در این تیم پیدا کند و ترکیب و سیستم مناسب را به‌دست آورد. حالا همه بازیکنان در این تیم وظایف خود را می‌دانند و به همین دلیل تیم در هفته‌های اخیر نتایج بهتری گرفته است. کیفیت فنی تیم به‌وضوح بالاتر رفته و در بازی‌ها به‌خوبی نمایان است. بازیکنی مثل دیبالا در زمین دوندگی بیشتری دارد، موراتا به‌خوبی در خط حمله حضور دارد و بسیار مهاجم خطرناکی است. کریس رونالدو نیز درمقابل دروازه حریفان همچون همیشه زهردار است و رقبا به‌سختی می‌توانند او را مهار کنند. از نظر فنی نیز خط هافبک تیم بسیار پویاتر و پرتحرک‌تر شده و در این میان نقش مک‌کنی جوان بسیار مهم است. شاید تنها نقطه ضعف تیم در خط دفاعی باشد که در برخی بازی‌ها عملکردی نگران‌کننده داشته‌اند. درباره اینتر هم باید بگویم که آنها همان نمایش فصل قبل را ارائه می‌کنند. در ابتدای فصل تلاش داشتند تا در پرس از زمین حریف کارهای تازه‌ای انجام دهند، اما این روش موفق نبود و گل‌های زیادی دریافت کردند. به همین دلیل دوباره به روش قبلی برگشته‌اند و در این مدت نتایج بهتری گرفته‌اند.»

هولیه؛ مربی، معلم و پدرِ فوتبال فرانسه

ترجمه: نوید صراف

«من با کلوپ و گواردیولا در سالن مشاهیر لیگ برتر انگلیس حضور داشتم.» این حرف‌های «ژرار هولیه» در مصاحبه امسال خود با شبکه «یورواسپورت» بود. جایی که در ادامه حرف‌هایش گفت: «من پشت میز هستم و آن‌ها نشستند. یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ؛ آن‌ها بعد از ظهر خود را با سوال پرسیدن از من سپری کردند. هنوز هم نمی‌دانم چرا!» مربی مبتکر، خلاق و یک برنده در طول دوران حرفه‌ای خود؛ اسطوره‌ای که در طول دوران ورزشی خود همواره شخصیتی فروتن و بی‌ادعا را به تصویر کشید. اعجوبه‌ای که علیرغم کسب چندین جام و فتح افتخار بزرگ، بزرگترین موفقیتش تاثیر شگرف راهنمایی‌های او در ملاقات‌هایش با افرادی بود که با او به گفتگو می‌نشستند.

هولیه پس از یک دوره حضور به عنوان بازیکن در رده‌های آماتور، به سراغ مربیگری رفت و در دهه ۷۰ سکان هدایت تیم‌های رده پایینی مانند «لوتوکِت» و «نولِمین» به دست گرفت. ژرار تیم «نولمین» را به دسته دوم فرانسه رساند و پس از شکست مقابل «تولوز» در پلی‌آف موفق نشد تا مجوز حضور در سطح اول فوتبال فرانسه را به دست آورد. هولیه درباره آن روزها می‌گوید: «آن‌جا شهر بزرگی نبود اما ما لحظات خارق‌العاده‌ای را سپری کردیم؛ من هنوز هم شیرینی تمام لحظات خوش مشترکی که با طرفداران نولمین چشیدیم را در اعماق وجودم حفظ کرده‌ام.»

هولیه از سوی «فرانس فوتبال» به عنوان بهترین مربی لیگ دو فرانسه انتخاب شد و در سال ۱۹۸۲ روی نیمکت تیم لانس در لیگ یک فرانسه نشست؛ جایی که در اولین فصل حضورش، تیم را در رده چهارم قرار داد و امضای خود را پای برگه صعود به جام یوفا انداخت. سپس در سال ۱۹۸۵ و در حالی که تنها ۳۸ سال سن داشت، روی جلد تمام نشریه‌های سرزمین عشاق رفت. خبر بسیار بزرگ بود؛ مسئولان باشگاه پاری‌سن‌ژرمن بعد از مدت‌ها دویدن به دنبال ژرار، سرانجام به خواسته خود رسیدند تا او نفر اول کادر فنی پاریسی‌ها شود. تیمی که آن روزها تازه پانزدهمین سال تاسیس خود را جشن می‌گرفت. باز هم اولین فصل هولیه در بهترین حالت ممکن به پایان رسید و PSG با نفراتی چون «ژوئل باتس»، «لوییز فرناندز» و «دویمینیک روچتی» و در حالی که رکورد ۲۷ بازی بدون شکست را ثبت کرد، توانست بالاتر از نانت به مقام قهرمانی برسد. این اولین قهرمانی آن‌ها در تاریخ این باشگاه به حساب می‌آمد.

پس از پیروزی ۳ بر یک در هفته آخر رقابت‌ها مقابل باستیا، هولیه که به شدت احساساتی شده بود در مقابل دوربین‌ها ایستاد و گفت:«این بزرگ‌ترین پاداش دوران حرفه‌ای من است. برای اجرای چنین عملکردی، شما باید مردان با کیفیتی داشته باشید. از همه تشکر می‌کنم.» در آن زمان ژرار روحش نیز خبر نداشت که در جریان مبارزات انتخاباتی فصل ۸۸-۱۹۸۷ قربانی و اخراج خواهد شد اما هر چه که بود، این حقیقت در تاریخ به ثبت رسید که هولیه رقابت بین پاری‌سن‌ژرمن و مارسی بر سر قهرمانی را بعد از سال‌ها، دوباره زنده کرد.

تنها ناکامی اسطوره در فرانسه، زمانِ حضورِ کوتاه مدتش روی نیمکتِ «خروس‌ها» رخ داد؛ پس از برکَناری «میشل پلاتینی» به دلیل حَذف از رقابت‌های جام ملت‌های ۱۹۹۲، ژرار - که به عنوان دستیار اول میشل روی نیمکت می‌نشست - به عنوان سرمربی تیم ملی فرانسه انتخاب شد ولی پس از ناکامی در رسیدن به جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا، او نیز حکم اخراج را روی میز کارش دید. در حالی که خروس‌ها برای صعود تنها به یک تساوی نیاز داشتند، «دیوید ژینولا» در وقت‌های اضافه موقعیت و توپی طلایی را از دست داد تا بلغارستان روی ضدحمله توسط «امیل کوستادینوف» به گل برسد و فرانسه غایب رقابت‌های جام جهانی لقب بگیرد. هولیه هشت روز بعد در استعفا گفت: «آن ۱۵ ثانیه مهلک در برابر بلغارستان همه چیز را تغییر داد؛ پانزده ثانیه از ۹۰۰ دقیقه مسابقات مقدماتی!»

ژرار به تعبیر بسیاری ژینولا را به نوعی قربانی این شکست کرد و معتقد بود تیمش در بدترین زمان ممکن چاقو خورده است و بعدها حتی از اشتباه او به عنوان «جنایت علیه تیم» یاد کرد. نتیجه این اتفاقات نیز داغ شدن آتش دشمنی میان آنها برای تقریباً دو دهه بود! در سال ۲۰۱۲ دادگاهی در فرانسه دادخواست ژینولا علیه اظهارات ژولیه در کتاب «اسرار مربیان» را رد کرد. ژرار در سال ۲۰۱۵ در مصاحبه با «RMC» مدعی شد دیوید پیش از بازی به مطبوعات گفته باید به جای «اریک کانتونا» و «ژان پیر پاپین» به میدان برود! دلیل این اظهار نظر نیز فقط برای این بود که ژینولا با عصبانیت به ایستگاه رادیویی زنگ بزند و آنها را تکذیب کند!

چهره موفق فرانسوی روی نیمکت، نقش مهمی در پرورش نسلی طلای ایفا کرد؛ نسلی که توانست به سلطه فوتبال فرانسه در عرصه‌های بین‌المللی کمک کنند. در اواسط دهه ۹۰، ژرار برای مربیگری تیم زیر ۱۸ و ۲۰ سال فرانسه انتخاب شد و تیمی را با حضور «تیری آنری» و «دیوید ترزگه» در راه قهرمانی مسابقات زیر ۱۸ ساله‌های اروپا در سال ۱۹۹۶ هدایت نمود. او بعدها در خصوص خاطراتش از آن دوران گفت: «ما از بودن در کنار هم بسیار خوشحال بودیم. رمز موفقیت ما نیز همین بود.» پس از قهرمانی در سه جام داخلی، یک قهرمانی جام یوفا و کسب نشان اپراتوری بریتانیا، در سال ۲۰۰۵ هولیه به عنوان سرمربی لیون به فرانسه بازگشت و توانست

دو قهرمانی از هفت قهرمانی پیاپی این تیم در لیگ فرانسه را در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ کسب کند.

با این حال و با وجود اختلاف امتیازی دو رقمی در هر دو فصل، معیار عملکرد ژرار به موفقیت در لیگ قهرمانان اروپا پیوند خورد؛ جایی که لیون در فصل ۰۶-۲۰۰۵ پس از دو گل دیر هنگامِ میلان از دور رقابت‌ها کنار رفت و فصل بعد در حالی که فشارهایَ روی سرمربی افزایش یافته بود، مقابل رم در یک‌هشتم نهایی شکست خورد و حذف شد. نتایجی که نتوانست مدیران لیون و در راس آن‌ها «اولاس» برای تمدید قرارداد ژرار مجاب کند و به این ترتیب راه آنها از یکدیگر جدا شد. جالب اینکه هولیه در سال ۲۰۱۶ یک بار دیگر و این بار به عنوان مشاور آولاس به لیون برگشت و با وجود شرایط سلامتی، خود بیشتری نفوذ و اقتدار را در تیم در دست داشت.

«رمی گارد» در مورد تأثیر هولیه در پیشرفتش گفت: «ژرار به من اعتماد به نفس زیادی می‌داد و تمایل به پذیرفتن این حرفه را داشت.» «ژان لوک واسور» مربی بانوان لیون هم در این خصوص گفت: «هولیه شخصی درخشان، جذاب و عاشق فوتبال بود.» «سلما باچا» مدافع لیون هم در گفتگو با نشریه «اکیپ» به این نکته مهم اشاره داشت که توصیه‌ها و مهربانی‌های هولیه را برای همیشه در قلبش محافظت و مراقبت خواهد کرد.

«رابرت دوورن» مربی سابق لیون می‌گوید: «لیون مربیان بسیار خوبی داشته که بعضی از آن‌ها تکنسین‌های بسیاری خوبی نیز به حساب می‌آیند اما ژرار تنها مربی واقعی باشگاه بود. با او می‌توانستیم قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شویم. من با او خاطرات زیادی دارم. او یک بار به من جمله‌ای گفت که عمق رابطه ما را نشان می‌دهد؛ او گفت فشار فوتبال، حتی اگر اختلاف نظر داشته باشیم، هرگز از دوستی ما قوی‌تر نخواهد بود.» در دفتر هولیه در پاریس، او تصویری از خود و «آرسن ونگر» را به دیوار آویخته؛ قابی که برایش بسیار ارزشمند بود و همواره به مهمانانش در مورد آن می‌گفت. این حاکی فروتنی اوست. حالا فوتبال فرانسه یکی از دو چهره‌ای که به بهترین وجه خروس‌ها را در تاریخ فوتبال تمثیل کرده را از دست داده است.

بمب بزرگ در پاریس؛ توخل از PSGاخراج شد

دو نشریه اسپورت بیلد و اکیپ خبر از برکناری توماس توخل از هدایت پی اس جی دادند. خبر اخراج او به زودی رسما اعلام خواهد شد و این موضوع چهارشنبه شب از طریق لئوناردو مدیر ورزشی باشگاه به گوش سرمربی آلمانی رسیده است.

به این ترتیب توخل از ماه ژانویه دیگر روی نیمکت پاریسی ها نخواهد نشست. اخراج توخل اتفاقی بود که دیر یا زود محقق می شد. از مدت ها پیش شایعات برکناری او به گوش می رسید اما هر بار نتایج خوب تیم با او این اتفاق را به تاخیر می انداخت. آخرین بار پیش از بازی مرگ و زندگی برابر منچستریونایتد بود که رسانه ها از احتمال اخراج توخل نوشتند.

پاری سن ژرمن باید یونایتد را در اولدترافورد شکست می داد تا شانس صعود به یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان را پیدا می کرد و در نهایت چنین هم شد. پی اس جی با درخشش نیمار توانست یونایتد را شکست دهد و توخل هم موقتا ماندنی شد.

هرچند پی اس جی توانست با شکست باشاک شهیر در هفته پایانی به عنوان تیم اول گروه راهی دور بعد لیگ قهرمانان شود ولی شکست هفته گذشته برابر لیون که منجر به از دست رفتن صدر شد و تساوی این هفته در زمین لیل که اجازه نداد پاریسی ها به صدر برگردند، حکم اخراج توخل را نهایی کردند.

در واقع برتری پرگل چهارشنبه شب برابر استراسبورگ هم چاره ساز نشد و سرمربی آلمانی شغل خود را از دست خواهد داد. همچنین نکته دیگری هم احتمالا در برکناری او نقش داشته نقل قولی جنجالی بوده که این هفته در رسانه ها بازتاب داشت.

چهارشنبه مصاحبه ای از توخل با اسپورت۱ آلمان منتشر شد که در آن او گفته بود در پاری سن ژرمن بیشتر احساس یک سیاستمدار ورزشی یا وزیر ورزش را داشته تا سرمربی و دستاوردهایش کم رنگ به حساب آمده است:« با وجود رساندن پی اس جی به فینال لیگ قهرمان ارزش زیادی برای وی قائل نیستند:« به فینال رفته بودیم و اگر بایرن را می بردیم قهرمان اروپا می شدیم اما حسی وجود داشت که هنوز نتوانسته ایم سران باشگاه را راضی کنیم. هیچکس قدرمان را نمی دانست و برای کاری که کرده بودیم ارزش قائل نمی شدند. این باعث ناراحتی و آزرده خاطر شدن هر مربی ای می شود. در اطراف باشگاه توقعات از تیم عظیم است و قهرمانی در لوشامپیونا را اتفاق بزرگی نمی دانند مثل همان چیزی که در مورد بایرن وجود دارد و قهرمانی بوندسلیگا را دستاورد با ارزشی نمی دانند.

مربی تیمی مثل پی اس جی بودن با این همه ستاره از یک جهت چالشی جذاب برای مربیان است ولی از سوی دیگر فشارها خیلی خیلی زیاد است. در نهایت اما شما باید به خودتان فکر کنید و تحت تاثیر نظر دیگران قرار نگیرید. شما نه به ترحم و نه به ارزش گذاری هیچکس نیاز ندارید.

معتقدم اینکه ارزش کار ما در لیگ داخلی را نمی دانند توهینی بزرگ و شرم آور به بازیکنان است. همیشه می گویند که دی ماریا، نیمار و امباپه را دارند و طبیعی است تیمی مثل بوردو را شکست دهند ولی کسب موفقیت در لیگ فرانسه ساده نیست. نه دیسیپلین و نه نظم تاکتیکی و تلاش بازیکنان را قدر نمی دانند. من عاشق فوتبال و مربیگری ام و برخی مواقع از خودم سوال می کنم که چرا در دو هفته اخیر باید این همه شایعه و خبر در مورد آینده ام منتشر شود. در پی اس جی فقط فوتبال نیست که اهمیت دارد.»توماس توخل بعد از پیروزی چهارشنبه شب تیمش مقابل استراسبورگ به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «من نگفتم همه چیز بیش از ورزش به سیاست مربوط می شود. همچنین نگفتم که دیگر از حضور در تمرینات لذت نمی برم. ممکن است آنها ترجمه نادرستی از صحبت هایم داشته اند. مصاحبه ویدیویی را تماشا کنید. من فقط گفتم PSG منحصر به فرد است و این یک چالش بزرگ برای من است. همیشه اینطور بوده است. من این چالش را دوست دارم و هیچ تغییری نکرده است. من به زبان آلمانی شوخی می کردم. ترجمه صحیح نیست. ما نمی توانیم کلمه به کلمه ترجمه کنیم. وقتی صحبت می کردیم یک شوخی بود و این صحبت ها جایز نیست.»در مورد جانشین احتمالی توخل حرف و حدیث بسیار است و از مائوریسیو پوچتینو و مکس آلگری بیش از گزینه های دیگر نام برده می شود. هر دو مربی از سال گذشته بیکار هستند و منتظرند تا بهترین پیشنهاد به آنها ارائه شود. پوچتینو که ماه گذشته از او به عنوان جانشین زیدان در رئال نام برده می شد، شاید بیشترین شانس را برای حضور روی نیمکت پی اس جی داشته باشد به خصوص که او زمانی بازیکن همین تیم بود.

اخبار

سایت روسی:

زنیت بدون سردار آزمون کسل کننده است

یک سایت روسی ضمن تمجید از مهاجم ایرانی تیم فوتبال زنیت سنت پترزبورگ اعلام کرد این تیم بیش از حد به سردار آزمون وابسته شده است.

سایت «sportbox» روسیه در گزارشی به معرفی برترین‌های فوتبال روسیه پرداخته است. یکی از این نفرات، سردار آزمون است که در این فصل در ۱۵ بازی، ۱۱ گل به ثمر رسانده و ۵ پاس گل داده است.

این سایت نوشت: «همانطور که در فصل گذشته شاهد بودیم، مهاجم ایرانی زنیت همراه با آرتم زوبا موثرترین مهاجمان لیگ روسیه را تشکیل می‌دهند. در فصل جاری، آزمون برای کسب عنوان بهترین گلزن می جنگد درست مثل همبازی خود در خط حمله. در همین حال، زنیت حتی بیش از حد به مهاجم ۲۵ ساله (آزمون) وابسته شده است و بدون او، اغلب کسل کننده به نظر می‌رسد. این اتفاق در اواخر پاییز رخ داد؛ زمانی که مهاجم ایرانی چند هفته را به دلیل بیماری از دست داد. اما او در پایان سال عالی بود و در سه هفته، چهار گل به ثمر رساند از جمله هت تریک (به ثمر رساندن سه گل در یک مسابقه) در بازی با اورال.»

sportbox مطلب خود درباره آزمون را این‌طور تمام کرده است: «شکی نیست که سردار آزمون تا بهار به افزایش ارزش خود ادامه می‌دهد و در تابستان پیشنهادات هنگفت و سودآوری را از لیگ‌های برتر دریافت می‌کند.»

دیه‌گو را کشتند؛ مرگ مارادونا ناگهانی نبود

دیه گو مارادونا ماه گذشته و در سن شصت سالگی از دنیا رفت. او چند هفته پس از جراحی مغز و در حالی که دوران نقاهت را پشت سر می گذاشت، به دلیل حمله قلبی درگذشت و دنیای فوتبال را شوکه کرد.

کمی بعد خانواده مارادونا شکایتی علیه تیم پزشکی و به خصوص پزشکان معالج او(لئوپولدو لوکه و آگوستینا کوشاچف) مطرح کردند و این شائبه ایجاد شد که آنها در مرگ او دخیل بوده اند.

حتی شایعه خودکشی مارادونا نیز مطرح شد ولی پس از کالبدشکافی این فرضیه رد شد.

طبق گزارش رسانه های آرژانتینی نتایج اولیه کالبدشکافی نشان می دهد که در بدن دیه گو هیچ دارو و مواد مخدری وجود نداشته اما او شش تا هشت ساعت قبل از مرگ، حال بسیار وخیمی داشته و رو به مرگ بوده است.

این نشان می دهد که مرگ دیه گو اصلا ناگهانی نبوده و احتمالا قصور پزشکی در آن دخیل بوده است. دیه گو ساعاتی قبل از مرگ توسط تیم پزشکی مورد معاینه قرار نگرفته و برای حال بد و وخیم او دارو تجویز نشده بود. در صورت اثبات این مساله، پزشکان مارادونا قطعا دادگاهی خواهند شد چرا که این مصداق عینی قتل غیرعمد است.

همچنین چند روز پیش دکتر آلفردو کاهه که بین سالهای ۱۹۷۷ و ۲۰۰۷ مارادونا را معالجه می کرد، ادعا کرد که مارادونا پس از جراحی مغز دچار افسردگی شدید شده و این احتمال وجود دارد که او در آن مقطع از مصرف داروهای خود امتناع کرده باشد.

او به یک شبکه رادیویی آرژانتینی در این باره گفت: « این فقط یک حمله قلبی ساده به نظر نمی‌رسد.»

در واقع پزشک مارادونا ادعا کرده که مرگ افسانه فوتبال یک نوع خودکشی بوده و افسردگی پس از جراحی مغز در این اتفاق نقش اساسی ایفا کرده است.

دکتر آلفردو کاهه معتقد است مارادونا پس از ترخیص از بیمارستان بعد از جراحی، غذا خوردنِ یا مصرف داروی خود را متوقف کرده و نهایتاً این امر منجر به ایست قلبی و مرگ او شده است.

کاهه پس از اطلاع از اینکه مارادونا روزهای آخر خود را پس از جراحی مغز در یک اتاق گذرانده، به این نتیجه رسیده که او واقعاً افسرده شده است.

حسینی و پیشنهادات قابل توجه؛

سمپدوریا یا شارلوا؛ مقصد مدافع تیم ملی فوتبال ایران کجا است؟

خبر پیشنهاد باشگاه شارلوا بلژیک به سیدمجید حسینی مدافع تیم ملی ایران بازتاب زیادی در رسانه‌های ترکیه داشته است.

سیدمجید حسینی مدافع تیم ملی فوتبال ایران که بعد از جام جهانی ۲۰۱۸ به تیم ترابوزان اسپور ترکیه رفته بود، به پایان کار خود در این باشگاه نزدیک می‌شود. حسینی یکی از نفراتی است که جایی در تفکرات سرمربی فعلی ترابوزان ندارد و در لیست فروش این باشگاه قرار گرفته است. روز گذشته نشریه «دامگا» ترکیه خبر داد باشگاه شارلوا بلژیک با مالک ایرانی خود به دنبال جذب حسینی است. در حال حاضر تیم شارلوا دو بازیکن ایرانی دیگر یعنی کاوه رضایی و علی قلی زاده را در اختیار دارد.این خبر بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های ترکیه داشته است و احتمال دارد حسینی در نقل و انتقالات زمستانی به تیمی برود که تاکنون بازیکنان ایرانی زیادی را در اختیار داشته است.از اندرلخت بلژیک، سمپدوریا ایتالیا، پورتو پرتغال و یک تیم قطری هم به عنوان تیم‌هایی یاد می‌شود که حسینی را زیر نظر دارند.سایت «sampnews۲۴» هم خبر داد تیم سمپدوریا ایتالیا که از تابستان گذشته به دنبال جذب حسینی بود، همچنان خواهان جذب این مدافع ایرانی است. این سایت تاکید کرده است سمپدوریا در بازار نقل و انتقالات مجبور به جذب مدافع است چرا که «الکس فراری» و «بارتوش برژینسکی» دو مدافع فعلی این تیم مصدوم شده‌اند و برنامه باشگاه در خط دفاعی پیچیده شده است.